

کتاب یوئیل و کلیسای لائودیکیہ ادونتیسست‌های روز هفتم

- شماره سی‌وهشت

Jeff Pippenger

2026-01-30

عدد سی‌وهشت

آزمون نان آسمان، در ایام عیسی، آزمون اُمگای شاگردی بود؛ و نیز در نسبت با آزمون مَنّا که در آلفای تاریخ عهد اسرائیل باستان نمود یافته است، اُمگا به شمار می‌آید. آغاز، مَنّا بود؛ پایان، نان آسمان. اُمگا همواره بزرگ‌ترین است؛ از این رو، بزرگ‌ترین ترک پیروان، کُفرناحوم را در تاریخ مسیح و در آزمون شاگردی به عنوان اُمگا مشخص می‌سازد.

پس عیسی نے اپنے شاگردوں سے فرمایا، اگر کوئی میرے پیچھے آنا چاہے تو اپنے آپ کا انکار کرے، اور اپنی صلیب اٹھائے، اور میرے پیچھے چلے۔ کیونکہ جو کوئی اپنی جان بچانا چاہے گا وہ اسے کھو دے گا؛ اور جو کوئی میری خاطر اپنی جان کھو دے گا وہ اسے پائے گا۔ کیونکہ انسان کو کیا فائدہ، اگر وہ ساری دنیا حاصل کر لے اور اپنی ہی جان کا نقصان اٹھائے؟ یا انسان اپنی جان کے بدلے کیا دے گا؟ کیونکہ ابن آدم اپنے باپ کے جلال میں اپنے فرشتوں کے ساتھ آئے گا؛ اور اُس وقت وہ ہر ایک کو اُس کے اعمال کے مطابق بدلہ دے گا۔ میں تم سے سچ کہتا ہوں کہ جو یہاں کھڑے ہیں اُن میں سے بعض ایسے ہیں جو موت کا مزہ برگز نہ چکھیں گے جب تک کہ ابن آدم کو اپنے بادشاہی میں آئے نہ دیکھ لیں۔ متی 24:16-28.

کُفرناحوم آزمونی اُمگایی است. آزمون کُفرناحوم، آزمون روغن در مَثَل دہ باکرہ است؛ این آزمون با فریاد نیمه شب آغاز می‌شود، و دوره‌ای را شروع می‌کند که در آن باکرگان جاهل درمی‌یابند که روغنی ندارند. آنگاه، هنگامی که به در در حال بسته شدن قانون یکشنبه نزدیک می‌شوند، هراسان می‌گردند؛ چنان که در بحران کُفرناحوم در یوحنا 6:66 بازنمون یافته است. از لحاظ نبوی، آنان «شرمسار» هستند.

اینک ایامی می‌آید، می‌گوید خداوند یهوه، که در زمین قحطی خواهیم فرستاد؛ نه قحطی نان و نه تشنگی آب، بلکه قحطی شنیدن کلام خداوند. و از دریا تا دریا سرگردان خواهند شد، و از شمال تا به مشرق، این سو و آن سو خواهند دوید تا کلام خداوند را بجویند، و آن را نخواهند یافت. در آن روز، دوشیزگان زیبا و جوانان از تشنگی بی‌حال خواهند شد. آنان که به گناه سامره قسم می‌خورند و می‌گویند: ای دان، معبود تو زنده است؛ و: آیین بئرشبع زنده است؛ همانان فرو خواهند افتاد و دیگر هرگز برنخواهند خاست. عاموس ۸:۱۱-۱۴

آزمون اُمگا در کُفرناحوم، نمود پیشینی آزمون اُمگایی است که در پی آزمون بنیادین سال 2024 می‌آید. آزمون اُمگا همان جایی است که عروس، پیش از قانون یکشنبه، مهر می‌شود. آنچاست که جدایی برای همیشه نهایی می‌گردد، زیرا هنگامی که او پاک شود، دیگر هیچ بیگانه‌ای (امت‌ها) تا ابد از اورشلیم عبور نخواهد کرد.

خداوند نیز از صهیون غرش خواهد کرد و آواز خویش را از اورشلیم برخاورد؛ و آسمان‌ها و زمین متزلزل خواهند شد؛ اما خداوند امید قوم خویش و قوت بنی اسرائیل خواهد بود. پس خواهید دانست که من یهوه، خدای شما، هستم که در صهیون، کوه مقدس من، ساکنم؛ آنگاه اورشلیم مقدس خواهد بود، و دیگر هیچ بیگانه‌ای از میان آن عبور نخواهد کرد.

و در آن روز واقع خواهد شد که کوه‌ها شراب نو خواهند چکاند، و تپه‌ها از شیر جاری خواهند شد، و تمامی نهرهای یهودا از آب‌ها روان خواهند گردید، و چشمه‌ای از خانه خداوند بیرون خواهد آمد

و وادی شیطیم را سیراب خواهد ساخت.

مصر ویران خواهد شد، و ادم بیابانی متروک خواهد گردید، به سبب ستمی که بر فرزندان یهودا روا داشته‌اند، زیرا در سرزمین ایشان خون بی‌گناهان را ریخته‌اند. اما یهودا تا ابد مسکون خواهد بود، و اورشلیم از نسلی به نسل دیگر. زیرا من خون ایشان را که پاک نساخته بودم، پاک خواهم ساخت؛ زیرا خداوند در صهیون ساکن است. یوئیل ۱۶:۳-۲۱

اورشلیم در واپسین مراحل داوری تحقیقی از گناه پاک می‌شود؛ همان‌گونه که در فصل سوم زکریا آمده است، جایی که جامه سفید کتانی فیلادلفیایی به یوشع داده می‌شود تا به جای جامه چرکین لائودیکیه‌ای قرار گیرد. «آنگاه اورشلیم مقدس خواهد بود، و دیگر هیچ بیگانه‌ای از آن عبور نخواهد کرد»، زیرا گندم از گراس‌ها جدا شده و همچون هدیه نوبرانه گرد آورده شده است. این در آزمون اُمگا واقع می‌شود، و هنگامی واقع می‌شود که پنجره‌های آسمان گشوده می‌گردد، و عیسی جواهرات را در صندوق می‌افکند و به جهان می‌گوید: «بیایید و ببینید.» «بیایید و ببینید» عَلم پادشاهی مرا، عروس مرا، پیشکش لایوان مرا، چنان‌که در ایام قدیم بود. «بیایید و ببینید» هیکل مرا، صندوق پر از جواهر مرا—که هر یک مهیا شده‌اند تا جزئی از تاج پادشاهی جلال باشند.

بنیادی آزمون الفای سال ۲۰۲۴ به آزمون اومگای هیکل منتهی می‌شود. آزمون اومگا هنگامی واقع می‌شود که روزه‌های آسمان گشوده می‌گردند، یعنی زمانی که عروس خویشتن را مهیا می‌سازد. باکره‌گان جاهل و پیام باران اخیر ایشان درباره صلح و امنیت کاذب، به وسیله باد از خلال روزه‌های گشوده به بیرون رانده می‌شوند، زیرا پیام این تاریخ، پیام باد شرقی است. این پیام، همان باد تند اشعیاست که در روز باد شرقی بازداشته می‌شود؛ و همان چهار بادی است که در زمان مهر زدن آن یکصد و چهل و چهار هزار، در مکاشفه یوحنا مهار می‌گردند.

«فرشتگان چهار باد را نگاه داشته‌اند، که به صورت اسبی خشمگین تصویر شده‌اند؛ اسبی که می‌کوشد خود را رها سازد و بر سراسر روی زمین بتازد و در مسیر خویش ویرانی و مرگ به بار آورد.»

«آیا باید بر همان آستانه جهان ابدی به خواب رویم؟ آیا باید کُند و سرد و مرده باشیم؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و نفس خدا در قوم او دمیده شود، تا بر پای‌های خویش بایستند و زنده گردند.» Manuscript Releases، جلد 20، ص. 217.

کسانی که آن پیام باد شرقی اسلام را رد می‌کنند، به وسیله باد از پنجره به بیرون رانده می‌شوند—همان نماد شورش ایشان. زباله ضلالت برای همیشه به آن طبقه نادان که روغنی ندارند چسبیده است. افرایم بار دیگر با بت‌های خود پیوسته شده است. آنان افزایش معرفت زمان مهر را، و ارتباط آن را با اسلام وای سوم، رد کردند. خداوند جلال پیام باران آخر جعلی ایشان را به «شرم» بدل خواهد کرد.

قوم من از نبود معرفت هلاک شدند؛ زیرا تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا دیگر برای من کاهن نباشی؛ و چون شریعت خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان تو را فراموش خواهم کرد.

چنان‌که ایشان افزون شدند، به همان‌سان بر ضد من گناه ورزیدند؛ پس جلال ایشان را به ننگ مبدل خواهم ساخت. گناه قوم مرا می‌خورند، و دل خویش را بر عصیان ایشان می‌نهند. و چنان خواهد بود که قوم، همان‌گونه کاهن؛ و ایشان را به سبب راه‌هایشان مجازات خواهم کرد، و کردارهایشان را بدیشان بازخواهم گردانید. زیرا خواهند خورد و سیر نخواهند شد؛ زنا خواهند کرد و فزونی نخواهند یافت؛ زیرا از التفات به خداوند بازایستاده‌اند. زنا و شراب و شراب تازه دل را

می‌ریاید. قوم من از بت‌های چوبین خود مشورت می‌طلبند، و عصای ایشان برایشان اعلام می‌کند؛ زیرا روح زناکاری ایشان را به گمراهی کشانیده است، و از زیر فرمان خدای خویش به زنا رفته‌اند. بر قله‌های کوه‌ها قربانی می‌گذرانند، و بر تپه‌ها، زیر بلوط‌ها و سپیدارها و نارون‌ها بخور می‌سوزانند، زیرا سایه آنها نیکوست؛ از این رو دختران شما زنا خواهند کرد، و عروسان شما مرتکب زنا خواهند شد. دختران شما را هنگامی که زنا می‌کنند، و عروسان شما را هنگامی که مرتکب زنا می‌شوند، مجازات نخواهم کرد؛ زیرا خود ایشان با فاحشه‌ها کناره می‌گیرند، و با روسپیان قربانی می‌گذرانند؛ پس قومی که فاقد فهم است، سرنگون خواهد شد.

اگرچه تُو، اے اسرائیل، فاحشه‌کاری کرے، تو بھی یہوداہ گناہ نہ کرے؛ اور نہ تم جلال کو جاؤ، نہ بیت‌آون کو چڑھو، اور نہ یہ قسم کھاؤ کہ "خداوند حیات ہے۔" کیونکہ اسرائیل ایک سرکش بچہ یا کی مانند پیچھے ہٹتا ہے؛ اب خداوند اُن کو وسیع میدان میں برہ کی مانند چرائے گا۔

افرایم به بت‌ها پیوسته است؛ او را به حال خود واگذارید.

نوشیدنی ایشان ترش شده است؛ پیوسته زنا کرده‌اند؛ حاکمانش با شرمساری دوست می‌دارند که بگویند: «بدهید.» باد او را در بال‌های خود پیچیده است، و ایشان به سبب قربانی‌های خویش شرمسار خواهند شد. هوشع ۴:۶-۱۹.

کُباله‌ای که برداشته می‌شود، هم باکره‌های نادان‌اند و هم تعالیم باطلی که بدان پیوسته‌اند. ما همان می‌شویم که می‌خوریم؛ و ایشان پیام باد شرقی را رد کردند و در عوض، آن دروغ را برگزیدند که در پی خود ضلالتی شدید می‌آورد، و به پیام باران آخر صلح و سلامتی جعلی خویش پیوسته شدند. شراب تازه یوئیل از دهان ایشان منقطع می‌گردد، درست در همان‌جا که ارمیا دهان خدا می‌شود.

«با ردّ حقیقت، انسان‌ها پدیدآورنده آن را رد می‌کنند. با پایمال کردن شریعت خدا، اقتدار شریعت‌دهنده را انکار می‌نمایند. ساختن بتی از آموزه‌ها و نظریه‌های دروغین، همان‌قدر آسان است که تراشیدن بتی از چوب یا سنگ. شیطان با تحریف صفات خدا، انسان‌ها را به این سوق می‌دهد که از او تصویری با شخصیتی کاذب داشته باشند. برای بسیاری، بتی فلسفی به جای یهوه بر تخت نشانده شده است؛ در حالی که خدای زنده، آن‌گونه که در کلامش، در مسیح، و در آثار آفرینش مکشوف شده است، جز از سوی اندکی پرستش نمی‌شود. هزاران تن، در حالی که خدای طبیعت را انکار می‌کنند، طبیعت را الوهیت می‌بخشند. هرچند به شکلی متفاوت، بت‌پرستی امروز در جهان مسیحیت نیز به همان حقیقتی وجود دارد که در میان اسرائیل باستان در روزگار ایلیا وجود داشت. خدای بسیاری از مردمان به ظاهر حکیم، از فلاسفه، شاعران، سیاستمداران و روزنامه‌نگاران — خدای محافل آراسته و مدپرست، بسیاری از کالج‌ها و دانشگاه‌ها، و حتی برخی مؤسسات الهیاتی — چیزی بهتر از بعل، خدای خورشید فینیقیه، نیست.» نبرد عظیم، 583.

در هنگام جداسازی حقیقی از کاذب در رؤیای میلر، باد باکره‌گان کاذب را به بیرون می‌رانند، در حالی که خداوند در طی آزمون درونی امگا مربوط به پنجره گشوده، عروس خود را مهر می‌نهد.

ببینید، من رسول خود را می‌فرستم، و او راه را پیش روی من مهیا خواهد ساخت؛ و آن خداوندی که شما طالب او هستید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد، یعنی آن رسول عهد که از او مسرورید؛ اینک او خواهد آمد، یهوه صباوت می‌گوید. لیکن کیست که روز آمدن او را تاب آورد؟ و کیست که هنگامی که ظاهر شود بایستد؟ زیرا او مانند آتش گدازنده و مثل صابون رخت‌شویان است. و او چون مصفی‌کننده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست؛ و پسران لاوی را طاهر خواهد ساخت و ایشان را چون طلا و نقره تصفیه خواهد نمود، تا هدایایی به عدالت برای خداوند بگذارند. آنگاه هدیه یهودا و اورشلیم نزد خداوند مقبول خواهد افتاد، چنان‌که در ایام قدیم و در سال‌های دیرین. ملاکی ۳:۱-۴.

پسران لاوی، پسران آن لاویانی هستند که در آزمون تصویر وحش هارون وفادار بودند، و سپس بار دیگر در آزمون تصویر وحش یربعام. آنان کسانی‌اند که از آزمون تصویر وحش سرافراز بیرون می‌آیند؛ همان آزمونی که به واسطهٔ آن سرنوشت ابدی ایشان تعیین می‌شود، و همان آزمونی که باید آن را بگذرانند—پیش از آنکه ما مهر شویم.

خداوند به روشنی بر من آشکار ساخته است که صورت وحش پیش از بسته شدن مهلت آزمایش تشکیل خواهد شد؛ زیرا این همان آزمون عظیم برای قوم خدا خواهد بود که به وسیلهٔ آن، سرنوشت ابدی ایشان تعیین خواهد شد.

«این آزمایشی است که قوم خدا باید پیش از مهر شدن از آن بگذرند. همهٔ کسانی که با نگاه داشتن شریعت او و سر باز زدن از پذیرفتن یک سبت جعلی، وفاداری خود را به خدا ثابت کردند، زیر پرچم یهوه، خداوندگار خدا، قرار خواهند گرفت و مهر خدای زنده را دریافت خواهند کرد. اما آنان که حقیقت با منشأ آسمانی را واگذارند و سبت یکشنبه را بپذیرند، نشان وحش را دریافت خواهند کرد.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary, volume 7, 976.

امتحان شبیه وحش، امتحانی است که پیش از امتحان نشان وحش در قانون یکشنبه واقع می‌شود، و باید پیش از بسته شدن در سپری گردد.

این همان آزمونی است که صالحان را تطهیر می‌کند و نیز صالحان را از ناصالحان جدا می‌سازد. این همان آزمونی است که در آن دانیال، شدرک، میشک و عبدنغو از نظر ظاهر نیکوتر و فربه‌تر از کسانی یافت می‌شوند که از خوراک بابلی خورده بودند. یک گروه نان آسمان را خورده بودند و گروه دیگر نان بابل را. این همان آزمون نان در کنیسه کفرناحوم است.

به‌طور بیرونی، زمان آزمایشی که اکنون در آن قرار داریم، آزمون تصویر وحش است؛ یعنی اتحاد کلیسا و دولت در ایالات متحده. زمان آزمایش درونی موازی، گروهی از باکرگان را مشخص می‌سازد که تصویر انسانیت را آشکار می‌کنند، و گروهی دیگر از باکرگان را که تصویر الهیت متحد با انسانیت را متجلی می‌سازند. پس از آن که ملاکی از تطهیر و پالایش لاویان سخن می‌گوید، خدا آزمونی را پیش می‌نهد.

و من برای داوری به شما نزدیک خواهم شد؛ و بر ضد جادوگران، و بر ضد زناکاران، و بر ضد آنان که سوگند دروغ می‌خورند، و بر ضد آنان که مزد مزدور را پایمال می‌کنند، و به بیوه‌زن و یتیم ستم روا می‌دارند، و حق غریب را منحرف می‌سازند، و از من نمی‌ترسند، شاهدی سریع خواهد بود، خداوند لشکرها می‌گوید.

زیرا من یهوه هستم و تغییر نمی‌کنم؛ از این رو شما، ای پسران یعقوب، نابود نشده‌اید. ملاکی ۵:۳، ۶.

پهلا امتحان خدا کا خوف رکھنا ہے، اور وہ جماعت جو عہد کے فرشتہ کی آزمائش میں ناکام ہوئی، پھر پانچ مذمتوں کے ساتھ مخاطب کی جاتی ہے، احمق کنواریوں میں سے ہر ایک کے لیے ایک، جو بدحال، قابلِ ترحم، غریب، اندھی، ننگی ہونے کے موافق ہیں؛ پانچ احمق کنواریوں کے لیے پانچ نبوی اوصاف، جو "اور مجھ سے نہیں ڈرتے" کے فقرے کے تحت خلاصہ ہوتے ہیں۔ یہی وہ لوگ ہیں جو بنیادی پہلے الفا امتحان میں ناکام ہوئے۔ وہ اس لیے ناکام ہوئے کہ انہوں نے یہ نہ سمجھا کہ خدا کبھی تبدیل نہیں ہوتا۔ یہی وہ ہیں جو 2024 کے بنیادی خارجی الفا امتحان میں ناکام ہوئے۔

«باید از تاریخ گذشته درس‌هایی آموخت؛ و توجه به این امور جلب می‌شود تا همه دریابند که خدا اکنون نیز بر همان اصولی عمل می‌کند که همواره کرده است. دست او اکنون نیز در کار او و در میان ملت‌ها همان‌گونه دیده می‌شود که از زمانی که انجیل نخستین بار به آدم در عدن اعلام شد،

همواره دیده شده است.»

"داسپ دورې شته چې د ملتونو او د کلیسا په تاریخ کې د بدلون او اوښتون پړاوونه وي. د خدای په عنایت کې، کله چې دغه بېلابېل بحرانونه راورسېږي، د هماغه وخت لپاره رڼا ورکول کېږي. که دا ومنل شي، نو روحاني پرمختګ رامنځته کېږي؛ او که رد شي، نو روحاني زوال او تباهي ورپسې راځي. څښتن په خپل کلام کې د انجیل د پرمختګ کوونکي کار څرګند کړی دی، لکه څنګه چې هغه په تېرو وختونو کې پر مخ وړل شوی، او په راتلونکي کې به هم وي، تر هغه وروستۍ نښتې پورې چې پکې به د شیطاني ځواکونو وروستی حیرانوونکی حرکت ترسره شي." Bible Echo, August 26, 1895.

اهل لائودکیه نمی‌بیند که طرز رفتار خدا با انسان‌ها همواره یکسان است. اگر نور، یا روغن پذیرفته شود، برکتی هست؛ و اگر نه، کشتی شکستگی است.

«در اعصار گذشته، یهوه خدای آسمان اسرار خویش را بر انبیای خود آشکار ساخت. حال و آینده در نظر او به یکسان روشن است. صدای خدا در طول اعصار طنین‌انداز می‌شود و به انسان اعلام می‌کند که چه چیز واقع خواهد شد. پادشاهان و شاهزادگان در زمان معین خود جایگاه خویش را می‌گیرند. آنان می‌پندارند که مقاصد خود را به انجام می‌رسانند، اما در واقع کلامی را تحقق می‌بخشند که خدا گفته است.»

پولس اعلام می‌کند که گزارش‌های رفتار خدا با بشر در گذشته «برای تنبیه ما نوشته شده است، ما که اواخر عالم بر ما رسیده است.» تاریخ دانیال برای تنبیه ما به ما داده شده است. «سر خداوند با کسانی است که از او می‌ترسند.» خدای دانیال هنوز زنده است و سلطنت می‌کند. او آسمان را بر قوم خود نیسته است. همان‌گونه که در عصر یهود چنین بود، در این عصر نیز خدا اسرار خود را بر بندگان خویش، انبیا، مکشوف می‌سازد.

رسول پطرس می‌گوید: «و ما کلام نبوت را استوارتر داریم، و نیکو می‌کنید اگر بدان توجه نمایید، همچون چراغی که در جای تاریک می‌درخشد، تا آنگاه که روز بدمد و ستاره صبح در دل‌های شما طلوع کند؛ و نخست این را بدانید که هیچ نبوت کتاب از تفسیر شخصی نیست. زیرا نبوت هرگز در زمان گذشته به اراده انسان آورده نشد، بلکه مردان مقدس خدا، آنگاه که از روح‌القدس برانگیخته می‌شدند، سخن می‌گفتند.»

«بی‌ایمانان و بی‌خدایان اهمیت نشانه‌های زمان را که در کلام نبوت پیشگویی شده است، تشخیص نمی‌دهند. آنان ممکن است از روی نادانی از پذیرفتن گزارش الهام‌شده سر باز زنند. اما هنگامی که مسیحیان مدعی با تمسخر از راه‌ها و وسایلی سخن می‌گویند که «من هستم اعظم» به وسیله آنها مقاصد خویش را آشکار می‌سازد، نشان می‌دهند که هم از کتب مقدس و هم از قدرت خدا بی‌خبرند. خالق به‌خوبی می‌داند که در سرشت انسانی دقیقاً با چه عناصری باید سروکار داشته باشد. او می‌داند که برای به‌دست آوردن نتایج مطلوب، چه وسایلی را باید به کار گیرد.»

«کلام انسان خطا می‌کند. کسی که ادعاهای انسان‌ها را تکیه‌گاه خود می‌سازد، به‌راستی سزاوار آن است که بلرزد؛ زیرا روزی چون کشتی به‌گل‌نشسته‌ای خواهد بود. کلام خدا خطاناپذیر است و تا ابد پایدار می‌ماند. مسیح اعلام می‌دارد: "هرآینه به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه‌ای یا نقطه‌ای از شریعت هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود." کلام خدا در سراسر اعصار بی‌پایان ابدیت پایدار خواهد ماند.» 1 Youth Instructor, دسامبر 1903.

خدا هرگز تغییر نمی‌کند و او بر همان اصولی عمل می‌کند که همیشه کرده است.

«کام خدا بر زمین، از عصری تا عصر دیگر، در ہر اصلاح بزرگ یا جنبش دینی، همانندی شگرفی را آشکار می‌سازد. اصول رفتار خدا با انسان‌ها ہموارہ یکسان است. جنبش‌های مہم زمان حاضر، ہمتای خود را در جنبش‌های گذشتہ دارند، و تجربہ کلیسا در اعصار پیشین، برای زمان ما درس‌هایی بس گران‌بہا در بر دارد.» جدال عظیم، 343.

آیات نخست باب سوم ملاکی، آن رسولی را کہ راہ را برای «رسول عہد» مہیا می‌سازد، و نیز تطہیر و تصفیۂ لاویان را معرفی می‌کند. سپس خداوند بر لائودکیہ داوری صادر می‌فرماید و آشکار می‌سازد کہ آنان از خدا نمی‌ترسند؛ یعنی در آزمون بنیادین آلفای فرشتہ سوم ناکام مانده‌اند. فقدان این ترس، نمود ردی عمدی معرفت است، و سیاق معرفتی کہ از پذیرش آن سر باز می‌زنند، عبارت است از قبول تاریخ آن رسولی کہ راہ را مہیا می‌سازد و آن رسول الہی کہ در پی او می‌آید. ہمہ انبیا ایام آخر را معرفی می‌کنند، و اگر اصل حقیقی‌ای در کار نبود، ہیچ دلیلی برای شناسایی یک جنبش اصلاحی جعلی وجود نمی‌داشت.

«لیکن شیطان بیکار نہ تھا۔ اب اُس نے وہی کرنے کی کوشش کی جو اُس نے پر دوسرے اصلاحی تحریک میں کی ہے—یعنی لوگوں کو دھوکا دے اور ہلاک کرے، اس طرح کہ اُن پر حقیقی کام کے بدلے ایک جعلی چیز مسلط کر دے۔ جس طرح مسیحی کلیسیا کی پہلی صدی میں جھوٹے مسیح ظاہر ہوئے تھے، اسی طرح سولہویں صدی میں بھی جھوٹے نبی برپا ہوئے۔» The Great Controversy, 186

سیاق شش آیہ نخست ملاکی ۳، پالایش و تطہیر لاویان جنبش اصلاحی صد و چہل و چہار ہزار نفر است. آنچه در آیندہ برای آمریکا در پیش است، یا همان جنبش معین است، یا یکی از قلب‌های بسیار. سپس ملاکی بیان می‌دارد:

از ایام پدرانان نیز از فرایض من منحرف شدہ‌اید و آنہا را نگاہ نداشته‌اید. بہ سوی من بازگردید، و من بہ سوی شما بازخواہم گشت، می‌گوید یہوہ صباوت. ملاکی ۷:۳.

شورش تدریجی در طول آن چہار نسل، مقدمہ و صحنہ‌پردازی کتاب یوئیل است، و ملاکی نیز در اینجا ہمین شورش تدریجی را مشخص می‌سازد، آن گاہ کہ می‌گوید: «حتی از ایام پدرانان از من منحرف شدہ‌اید.» از سال ۱۸۶۳، یعنی ایام پدران نخستین نسل شورش، ایشان پیوستہ بیش از پیش از خدا دورتر و دورتر رفتہ‌اند. اعلام حکم بر ضد گناہ مداوم ایشان با ندای لائودیکی تعدیل می‌شود؛ ندایی کہ با نغمہ‌هایی اندوہبار وعدہ می‌دہد کہ اگر فقط بازگشت کنند، خدا نیز بہ ایشان بازخواہد گشت.

اما شما گفتید: «در چہ چیز بازگردیم؟» آیا انسان خدا را می‌ریاید؟ بااین حال شما مرا ربودہ‌اید. اما می‌گویید: «در چہ چیز تو را ربودہ‌ایم؟» در دہیک‌ها و ہدایا. شما بہ لعنتی ملعون شدہ‌اید، زیرا مرا ربودہ‌اید، یعنی شما، این تمام قوم.

تمام عشوہ خزانے میں لاؤ تاکہ میرے گھر میں خوراک ہو، اور اب اس وسیلہ سے مجھے آزما کر دیکھو، رب الافواج فرماتا ہے، کہ کیا میں تمہارے لیے آسمان کے دریچے نہ کھولوں گا اور تم پر ایسی برکت نہ اُنڈیلوں گا کہ اسے سمیٹنے کے لیے جگہ نہ رہے۔

اور میں تمہاری خاطر اُس ہڑپ کرنے والے کو جھڑک دوں گا، اور وہ تمہاری زمین کی پیداوار کو تباہ نہ کرے گا؛ نہ تمہاری تاک کھیت میں وقت سے پہلے اپنا پھل گرائے گی، رب الافواج فرماتا ہے۔ اور سب قومیں تم کو مبارک کہیں گی، کیونکہ تم ایک دلپسند ملک ہوگے، رب الافواج فرماتا ہے۔ ملاکی 3:5-12.

آزمون بیرونی بنیادین آلفا در سال ۲۰۲۴، با آزمون درونی سنگ کلاہک در سال ۲۰۲۶ دنبال می‌شود. آن آزمون سنگ کلاہک ہنگامی واقع می‌شود کہ پنجرہ‌های آسمان گشودہ می‌گردند، و سہ موضعی

کہ در آن‌ها این پنجرہ‌های گشوده در زمینہٴ کلیسای ظافر شناسایی می‌شوند، ملاکی ۳، رؤیای میلر، و مکاشفہ ۱۹ هستند۔ ملاکی آلفا است، رؤیای میلر میانہ است، و مکاشفہ امگا۔ این آزمون بہ وسیلہٴ مسیح، همچون مردِ جاروبِ خاک، کہ جواهرات را بہ درون صندوقچہ می‌افکند، بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ آن جواهرات ہم حقایقی هستند کہ بہ طور کامل در ترتیب خود آراستہ شدہ‌اند، و ہم باقی‌ماندہ۔ انبار جایی است کہ خوراک در آن گرد آورده و توزیع می‌شود۔ همان‌گونہ کہ در آزمون مَنّا، آزمون کَپرناووم، و نان آسمان—«خوراک» موضوع است۔

در مَثَلِ باکرہ‌ها، «خوراک» همان روغن است، و نمایانگر سیرت، روح‌القدس، و پیام نبوتی‌ای است کہ روح‌القدس را بہ دل‌ها و ذہن‌های کسانی می‌آورد کہ سیرتِ مسیح را پرورش می‌دهند۔ «خوراک» همان «شرابِ تازہ» یوئیل است کہ از مَستانِ افرایم دریغ شدہ است۔ برای آن کہ در آزمون معبدِ درونی سنگِ سرزائویہ، متعلق بہ فرشتہٴ دوم، کامیاب شوید، باید پیش‌تر از آزمون بیرونی نخستین الفای بنیادین گذشتہ باشید۔ اگر بنیاد را نپذیرفتہ باشید، نمی‌توانید جزئی از معبدی باشید کہ بر آن بنیاد برپا می‌شود؛ اما اگر از شمار کسانی نباشید کہ آن آزمونِ بنیادین را گذرانده‌اند، خانہ روحانی جعلی خود را بر ریگ بنا خواهید کرد۔ یوحنا آن خانہ روحانی جعلی را «کنیسهٴ شیطان» می‌نامد، و ارمیا، «مجمع ریشخندکنندگان»۔

تمام دہ ایکات اور نذرانے ذخیرہ خانے میں لے آؤ—یہ وہ باطنی آزمائش ہے جہاں مہرِ ثبت کی جاتی ہے۔ خاکِ روب آدمی نے خدا کے بقیہ لوگوں کو بڑھے ہوئے تابوت میں ڈال دیا، اور ایسا کرتے ہوئے وہ تمام دہ ایکات کو ذخیرہ خانے میں لانے کے کام کی تمثیل پیش کر رہا تھا۔ لاوی وہ ہدیہ ہیں جو اس وقت بلند کیا جاتا ہے جب وہ آسمان کی کھڑکیوں سے برکت اُنڈیلتا ہے۔ خاکِ روب آدمی کے جواہر اُس کے بقیہ لوگ ہیں، اور یسعیاہ کے باب چھ میں انہی بقیہ لوگوں کو ایک دہ ایک قرار دیا گیا ہے۔

پس گفتیم: «ای خداوند، تا بہ کی؟» و او پاسخ داد: «تا آن گاہ کہ شہرہا ویران و بی‌سکنہ شوند، و خانہ‌ها از انسان خالی گردند، و سرزمین بہ کلی متروک شود، و خداوند آدمیان را بہ دور دست براند، و در میان آن سرزمین ترک و خلائی عظیم پدید آید۔ اما با این ہمہ، هنوز یک دہمی در آن باقی خواہد ماند، و آن نیز باز خواہد گشت و خوردہ خواہد شد؛ همچون درختِ بَطْم و همچون بلوط کہ چون برگ‌های خود را فرو می‌ریزند، تنہ و جوہرہ‌شان در آنہا باقی می‌ماند؛ پس ذریت مقدس، جوہرہ آن خواہد بود۔» اشعیا ۱۱:۱۶-۱۳

خداوند پرسش «تا بہ کی» را بر اساس گواہان متعدد، ناظر بہ قانونِ یکشنبہ معرفی می‌کند، و در آیہٴ سوم اشعیا شش، فرشتگانِ اعلام می‌دارند: «قدوس، قدوس، قدوس، یہوہ صباوت است؛ تمامی زمین از جلال او مملو است۔» خواہرِ وایت این را با فرشتہٴ نیرومندِ مکاشفہ ہجدہ مرتبط می‌سازد۔

«آنان [فرشتگان] چون آیندہ را می‌بینند، آن گاہ کہ تمامی زمین از جلال او پر خواہد شد، سرودِ ظفرمندِ ستایش با آوازی دلنشین از یکی بہ دیگری طنین‌انداز می‌شود: "قدوس، قدوس، قدوس، یہوہ صباوت است۔" آنان در تمجید خدا کاملاً خشنودند؛ و در حضور او، در زیر لبخندِ رضامندی او، ہیچ چیز بیشتری آرزو نمی‌کنند۔ در حملِ صورتِ او، در انجامِ خدمتِ او و در پرستشِ او، والاترین آرمانِ ایشان بہ تمامی برآورده می‌شود۔» Review and Herald, December 22, 1896

اشعیاہ چھ میں 9/11 کی نشان دہی کی گئی ہے، جب زمین مکاشفہ اٹھارہ کی دو آوازوں میں سے پہلی آواز کے جلال سے منور ہوئی۔ جب اشعیاہ نے پوچھا، "کب تک؟" تو اس باب کی تاریخ 9/11 سے لے کر اتوار کے قانون تک کے عرصہ کے طور پر متعین ہوتی ہے، جہاں دوسری آواز آتی ہے۔ اشعیاہ ہمیں آگاہ کرتا ہے کہ اتوار کے قانون کے وقت ایک بقیہ موجود ہوگا—جو عشرہ ہے۔ اس بقیہ کے اندر جوہر موجود ہے—اپنے برتنوں میں تیل۔

اما هنوز در آن یک دهم [عشر] خواهد بود، و آن بازخواهد گشت، و خورده خواهد شد؛ همچون درخت بطم و همچون بلوط که چون برگ‌های خود را می‌ریزند، مایه و جوهرشان در آنها باقی می‌ماند؛ همچنین نسل مقدس مایه و جوهر آن خواهد بود. اشعیا ۶:۱۳.

«دهم» کسانی‌اند که در پاسخ به دعوت ملاکی و نیز ارمیا برای بازگشت، «بازگشته‌اند». آنان درختان بشریت‌اند که با الوهیت متحد شده‌اند (ذریّت مقدس). ایشان خورده خواهند شد، زیرا نه تنها رسولان‌اند، بلکه علم‌نا‌های موجی پنطیکاست نیز هستند؛ آنان همان پیامی‌اند که امت‌ها خواهند خورد.

ازاین‌رو خداوند چنین می‌فرماید: «اگر بازگشت کنی، تو را باز خواهم آورد، و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گران‌بها را از فرومایه جدا سازی، همچون دهان من خواهی بود. ایشان به سوی تو بازگردند؛ اما تو به سوی ایشان بازنگرد.» ارمیا ۱۵:۱۹

ارمیا نمایانگر کسانی است که پیام در دست فرشته را خوردند؛ پیامی که همان آزمون آلفا و بنیادی بود که به‌وسیله ۱۱ اوت ۱۸۴۰، ۱۸۸۸، و ۹/۱۱ نمادین شده است؛ زیرا او می‌گوید که کلمات را یافت و آنها را خورد.

سخنانت یافت شد و من آنها را خوردم؛ و کلامت برای من شادی و وجد دل من گردید، زیرا من به نام تو خوانده شده‌ام، ای یهوه خدای لشکرها. ارمیا ۱۵:۱۶

یرمیا آنگاه که کتاب کوچک را از دست فرشته خورد، به نام خدا خوانده می‌شود، و آن پیام، برخلاف شرمساری، شادی و وجد پدید آورد. هنگامی که نام خدا به ارمیا داده می‌شود، او نماینده آن یکصد و چهل و چهار هزار نفری است که از اهل فیلادلفیا هستند.

هر که غالب آید، او را ستونی در هیكل خدای خود خواهم ساخت، و او دیگر هرگز بیرون نخواهد رفت؛ و نام خدای خود و نام شهر خدای خود را که اورشلیم جدید است، که از آسمان از جانب خدای من نازل می‌شود، بر او خواهم نوشت؛ و نام تازه خود را نیز بر او خواهم نوشت. مکاشفه ۳:۱۲

ارمیا پیام ۱۱ سپتامبر را خورد و نومیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را متحمل شد.

من در مجلس استهزاگران ننشستم و شادمانی نکردم؛ به سبب دست تو تنها نشستم، زیرا مرا از خشم لبریز ساخته‌ای. چرا درد من دائمی است و جراحت من علاج‌ناپذیر، که از شفا یافتن سر باز می‌زنی؟ آیا تو برای من به‌کلی چون دروغگو خواهی بود، و مانند آب‌هایی که فرو می‌نشینند؟ ارمیا ۱۷:۱۵، ۱۸.

«مجمع المستهزئين» عند إرميا هو «مَجْمَعُ الشَّيْطَانِ» عند فيلادلفيا وسميرنا، الذين يقولون إنهم يهود وليسوا كذلك. لم يفرح إرميا، لأن الرسالة التي كان قد نادى بها كانت رسالة كاذبة، فلم تثمر إلا خزيا لا فرحا. و«جرح إرميا الدائم الذي أبى أن يُشفَى» كان هو الأيام الثلاثة والنصف التي فرح فيها مجمع المستهزئين بينما كان إرميا وموسى وإيليا أمواتاً في الشارع الذي كان يمر في وادي العظام اليابسة الميتة. وفي وسط تلك الفترة من الشك وعدم اليقين، طلب الرب من إرميا أن يرجع.

لهذا خداوند یوں فرماتا ہے: اگر تُو باز آئے، تو میں تجھے پھر لے آؤں گا، اور تُو میرے حضور کھڑا رہے گا؛ اور اگر تُو قیمتی کو رذیل سے جدا کرے، تو تُو میرے منہ کی مانند ہوگا۔ وہ تیری طرف رجوع کریں، لیکن تُو ان کی طرف رجوع نہ کرنا۔ اور میں تجھے اس قوم کے لیے پیتل کی مضبوط فصیل بنا دوں گا؛ اور وہ تجھ سے لڑیں گے، لیکن تجھ پر غالب نہ آئیں گے؛ کیونکہ خداوند فرماتا ہے: میں تیرے ساتھ ہوں تاکہ تجھے بچاؤں اور تجھے رہائی دوں۔ اور میں تجھے شہریوں کے ہاتھ سے چھڑا لوں گا، اور ہیبیتناک لوگوں کے ہاتھ سے فدیہ دے کر آزاد کراؤں گا۔ یرمیاہ 15:19-21.

اگر ارمیا بازگردد، خدا او را لشکری خواهد ساخت که به صورت حصاری برنجین نمودار شده است؛ حصاری که هم «شریران» و هم «هولناک‌ها» با آن خواهند جنگید، اما غالب نخواهند شد. این همان لشکر اسبان سفید است، با سوارانی که در جامه‌های کتان سفید آراسته شده‌اند. آن لشکر، یا حصار برنجین، هنگامی برپا می‌شود که ارمیا بازگردد؛ اگر و آنگاه که او گران‌بها را از پست جدا سازد. در حزقیال سی‌وهفت، آن لشکری که خواهر وایت می‌گوید باقیمانده قوم خداست، زمانی برمی‌خیزد که ایشان بازگشته باشند. باقیمانده باز می‌گردد، و آنگاه چون لشکری عظیم برمی‌خیزد، وقتی که گران‌بها را از پست جدا می‌سازند و سپس دهان خدا می‌گردند. ایشان باید کلام حق را به درستی تقسیم کنند و گاه را از گندم جدا سازند، زیرا همان قواعدی را به کار می‌برند که از پدر خود اقتباس کرده‌اند؛ پدری که آسیابانی بود و در فراهم آوردن بهترین نان تخصص داشت. اگر گران‌بها را از پست جدا سازند؛ حقیقت را از خطا، آنگاه دیده‌بان خدا خواهند بود، هنگامی که خدا شریران را از دانیان جدا می‌سازد.

ارمیا در سال ۲۰۲۳ به ندای بازگشت پاسخ داد، سپس در سال ۲۰۲۴، آنگاه که گروهی بزرگ در آزمون بنیادی برپا ساختن رؤیا به وسیله روم جدا شدند، نومید گردید. ارمیا به درستی گران‌بها را از پست، و حقیقت را از خطا جدا ساخت، و تا آزمون درونی اُمگا در گشایش پنجره‌های آسمان پیش رفت. هنگامی که آسمان‌ها گشوده می‌شوند، کلیسای ظافر خویشتن را مهیا ساخته است. او آزمون بیرونی بنیادی آلفا را گذرانید، سپس آزمون درونی اُمگای پنجره‌های آسمان را نیز پشت سر گذاشت. یا این آزمون را می‌گذراند و جزئی از لشکر خدا می‌شود، یا به وسیله باد از پنجره‌ها به بیرون رانده می‌شود. او به صحرایی پهناور افکنده می‌شود، چنان‌که شینا در اشعیا بیست‌ودو، یا در صندوقچه افکنده می‌شود. یا در صندوقچه افکنده می‌شود، یا از هیکل به بیرون افکنده می‌شود، چنان‌که نحمیا طوبیا را بیرون افکند یا مسیح صرافان را بیرون راند. هنگامی که مرد فرچه خاک، جواهرات را در صندوقچه می‌افکند، آن صندوقچه یا کلام خدا در چارچوبی نو از حقیقت است، یا هیکل خداست، که هر دوی آنها نمادهای مسیح‌اند، و مسیح را نباید تقسیم کرد.

آیا مسیح تقسیم شده است؟ آیا پولس برای شما مصلوب شد؟ یا به نام پولس تعمید یافتید؟ اول
قرنتیان ۱:۱۳

مسیح از پولس جدا نیست. الوهیت از انسانیت پولس جدا نبود. هنگامی که پولس انسان به نام الوهیت تعمید می‌داد، هیچ جدایی‌ای در میان نبود، زیرا پیام‌آور انسانی با پیام الهی درهم آمیخته است. پولس به الوهیت پیوسته بود، همان‌گونه که افرایم به بت‌های خویش پیوسته بود.

وہ لوگ جو ملر کے خواب میں ہیکل (تابوت) میں ڈالے جاتے ہیں، ملاکی باب تین کے وہ دہ ایک ہیں جنہیں ذخیرہ خانہ میں لایا جاتا ہے، جہاں خوراک محفوظ کی جاتی ہے اور تقسیم کی جاتی ہے۔ وہ ذخیرہ خانہ ایک لاکھ چوالیس ہزار کا ہیکل ہے، یا جیسا کہ پطرس نے بیان کیا، "ایک روحانی گھر، ایک مقدس کہانت۔" تابوت روحانی گھر ہے اور جواہرات کہانت ہیں۔ اسی سبب ملر کا خواب صفحہ "81" پر درج کیا گیا ہے، جو الہی سردار کاہن کی علامت ہے جو اسی انسانی کاہنوں کے ساتھ مجتمع ہے۔

در رؤیای میلر، مرد فرچه زن خاک، نماد آوردن جواهرات است (که همان دہیک‌های اشعیا و ہدیہ‌های ملاکی ہستند)، آنگاه کہ او جواهرات را بہ درون ہیکل می‌افکند؛ ہیکلی کہ همان مخزن است، کہ همان صندوقچہ است. غالباً دو پرسش با فرشتہ دوم در میان است، و آزمون اُمگا همان فرشتہ دوم است در نسبت با آزمون آلفا و سومین آزمون تورنسل. دعوت، دعوت بہ بازگشت است، و این بازگشت با آوردن تمامی دہیک‌ها و ہدیہ‌ها بہ مخزن نشان دادہ می‌شود، تا در خانہ او خوراک باشد. دو پرسش در اینجا این است کہ «خوراک» چیست؟ و «مخزن» چیست؟

اگر جواهرات رسولان باشند، یا اگر جواهرات خود پیام باشند، این امر تعیین می‌کند کہ آن دو پرسش چگونه پاسخ دادہ شوند. اگر مقصود رسولان باشند، پس ایشان همان دہیک ہستند کہ ہیکل را

تشکیل می‌دهند؛ هیکلی که همواره در گام دوم برپا می‌گردد. و اگر مقصود پیام باشد، آن‌گاه این همان پیام فریاد نیمه‌شب است که به‌عنوان سنگ سر هیکل به کمال رسانیده می‌شود، و نیز پیام توان‌بخشی پیام فرشته دوم.

و فرمود: «از این سبب، مرد پدر و مادر خود را ترک خواهد کرد و به زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن خواهند شد.» بنابراین، دیگر دو نیستند، بلکه یک تن‌اند. پس آنچه را خدا پیوسته است، انسان جدا نسازد. متی ۱۹:۵، ۶

ما این بررسی را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«به اعلان نخستین ظهور مسیح بازگردانده شدم. یوحنا در روح و قدرت ایلایا فرستاده شد تا راه عیسی را مهیا سازد. آنان که شهادت یوحنا را رد کردند، از تعالیم عیسی بهره‌ای نیافتند. مخالفت ایشان با پیامی که آمدن او را پیشگویی می‌کرد، ایشان را در وضعیتی قرار داد که نتوانند به آسانی نیرومندترین شواهد را که او مسیحا بود، بپذیرند. شیطان آنان را که پیام یوحنا را رد کرده بودند، پیش راند تا باز هم فراتر رفته، مسیح را رد کنند و مصلوب سازند. با این کار، خود را در جایی قرار دادند که نتوانستند برکت روز پنطیکاست را دریافت کنند؛ برکتی که راه ورود به قدس آسمانی را به آنان می‌آموخت. دریده شدن پرده هیکل نشان داد که قربانی‌ها و فرائض یهود دیگر پذیرفته نخواهد شد. آن قربانی عظیم تقدیم شده و پذیرفته شده بود، و روح‌القدس که در روز پنطیکاست نازل شد، ذهن شاگردان را از قدس زمینی به قدس آسمانی متوجه ساخت، جایی که عیسی با خون خود وارد شده بود تا بر شاگردان خویش فواید کفاره خود را فرو ریزد. اما یهودیان در تاریکی کامل باقی ماندند. آنان تمام نوری را که می‌توانستند درباره نقشه نجات داشته باشند از دست دادند، و همچنان بر قربانی‌ها و هدایای بی‌فایده خود اعتماد ورزیدند. قدس آسمانی جای قدس زمینی را گرفته بود، با این همه ایشان از این تغییر هیچ آگاهی نداشتند. از این رو نمی‌توانستند از شفاعت مسیح در مکان مقدس بهره‌مند شوند.»

«بسیاری با وحشت به روش یهودیان در رد کردن و مصلوب ساختن مسیح می‌نگرند؛ و هنگامی که تاریخ بدرفتاری شرم‌آور او را می‌خوانند، می‌پندارند که او را دوست دارند و اگر در آن زمان می‌بودند، همچون پطرس او را انکار نمی‌کردند و همچون یهودیان او را مصلوب نمی‌ساختند. اما خدا، که دل‌های همگان را می‌خواند، آن محبتی را که ایشان مدعی بودند نسبت به عیسی احساس می‌کنند، به آزمایش آورد. تمام آسمان با عمیق‌ترین علاقه، نحوه پذیرش پیام فرشته اول را نظاره می‌کرد. اما بسیاری که ادعا می‌کردند عیسی را دوست دارند و هنگامی که سرگذشت صلیب را می‌خواندند اشک می‌ریختند، مژده آمدن او را به استهزا گرفتند. به جای آنکه پیام را با شادی بپذیرند، آن را فریبی اعلام کردند. آنان از کسانی که ظهور او را دوست می‌داشتند نفرت ورزیدند و ایشان را از کلیساها بیرون راندند. کسانی که پیام اول را رد کردند، از پیام دوم نیز نمی‌توانستند بهره‌مند شوند؛ و از فریاد نیمه‌شب نیز بهره‌ای نیافتند، فریادی که می‌بایست آنان را آماده سازد تا به وسیله ایمان، همراه با عیسی، به قدس‌الاقداص حرم آسمانی داخل شوند. و با رد کردن آن دو پیام پیشین، فهم خود را چنان تاریک ساخته‌اند که هیچ نوری را در پیام فرشته سوم، که راه ورود به قدس‌الاقداص را نشان می‌دهد، نمی‌توانند ببینند. دیدم که همان‌گونه که یهودیان عیسی را مصلوب کردند، کلیساهای اسمی نیز این پیام‌ها را مصلوب ساخته‌اند؛ از این رو هیچ شناختی از راه ورود به قدس‌الاقداص ندارند، و نمی‌توانند از شفاعت عیسی در آنجا بهره‌مند شوند. همچون یهودیانی که قربانی‌های بی‌ثمر خود را تقدیم می‌کردند، ایشان نیز دعا‌های بی‌ثمر خود را به آن بخشی تقدیم می‌کنند که عیسی آن را ترک کرده است؛ و شیطان، که از این فریب خرسند است، سیمایی دینی به خود می‌گیرد و ذهن این مسیحیان معترف را به سوی خویش رهبری می‌کند، و با قدرت خود و آیات و عجایب دروغین خویش عمل می‌کند تا ایشان را در دام خود استوار سازد.» نوشته‌های نخستین، ۲۵۹-۲۶۱.